

مسائل مستحدثه قضا (جلسه ۵) شنبه ۰۸/۰۷/۰۲.

بررسی فقهی قانون تجارت؛ افلاس شرکت، شواهد و مؤیدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به حجر

شواهد و مؤیدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به افلاس

آیا حاکم شرع می‌تواند به مجرد ظهور نشانه‌های افلاس، حکم به حجر بدهد یا اینکه باید عواقب و پیامدهای آن را هم در نظر بگیرد؟ به عبارت دیگر اگر کاری فی‌نفسه مشروع است اما منجر به امر نامشروع می‌شود، آیا قابل انجام است؟

بعضی از آیات و روایات به‌عنوان شواهد بحث مطرح گردید. این‌ها مؤیدات هستند و مجموع من‌حیث‌المجموع می‌تواند دلیل باشد.

مؤیدات دیگر

۱- فراوان در کتاب‌های حدیثی و کتاب‌های تاریخی آمده است که منافقی که در میان اصحاب رسول خدا بود، در حضور پیامبر به ایشان توهین کرد. توهین به پیامبر، سب‌النبی است و حکم سب‌النبی، قتل است. اینکه سب‌النبی باید کشته شود، روشن است اما کشتن او تبعاتی دارد مثلاً مردم می‌گویند پیامبر تا وقتی ضعیف بود، کاری نمی‌کرد اما الآن که قوی شده است، اصحاب و لشکریان خود را می‌کشد؛ لذا پیامبر این کار را ترک کردند. (البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۴)

۲- اینکه امام مجتبی با معاویه جنگ کرد و بعد از آن قضایا صلح نمود. جنگ با معاویه مشروع است اما وقتی امام علیه‌السلام دید که به دلیل این جنگ خون زیادی ریخته می‌شود، لذا صلح کرد.

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا». (بقره/۱۰۴) راعنا در آن زمان نوعی تحیت بود، اما یهودی از این کلمه معنای دیگری برداشت می‌کردند. گفتن «راعنا» مشروع است اما چون یهودی‌ها استفاده نامشروع می‌کردند، نهی شده است. آن کسی که می‌گفت «راعنا» به عربی می‌گفت اما یهودی‌ها، عبری برداشت می‌کردند.

۴- هیچ‌گاه پیامبر به ابوذر مسئولیت نداد. در حدیثی به ابوذر فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنِّي أَرَاكَ ضَعِيفًا، وَإِنِّي أَحِبُّ لَكَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِي، لَا تَأْمُرَنَّ عَلَيَّ اثْنَيْنِ، وَلَا تَوَلَّيْنِ مَالَ يَتِيمٍ». (امالی طوسی)

ص ۳۸۴ و صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۵۷) فرمانده دو نفر شدن ابتدائاً جایز است اما اگر ضعیف باشد، چه بسا آن‌ها را به کشتن بدهد یا سرپرستی مال یتیم اشکالی ندارد اما ممکن است آن را ضایع کند، لذا پیامبر ابوذر را از فرماندهی و سرپرستی مال یتیم نهی فرمود.

۵- آیاتی داریم که احکام تشریح شده به جهت عواقبی بوده است، مانند الف) «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره/۱۷۹) ب) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره/۲۱)

تشریح قصاص و عبادت به جهت عاقبت آن‌ها است که موجب تقوا می‌شوند؛ یعنی خدا عاقبت را در نظر گرفته است و حکمی را تشریح فرموده است.

۶- در بحث بیع سلاح به دشمن گفته شده است که فروش سلاح به دشمن اشکالی ندارد اما اگر موجب تقویت دشمن علیه دین می‌شود جایز نیست. شبیه این مسئله در بحث اعانه بر اثم آمده است که اگر کسی یقین دارد که خریدار انگور، آن را به قصد شراب ساختن می‌خرد، اگر فروشنده به قصد شراب بفروشد حرام است اما اگر به قصد شراب نیست، اشکالی ندارد. این حکم استثنایی دارد که اگر در این شهر فقط فروشنده مذکور، انگور دارد و این شخص می‌خواهد شراب بسازد، جایز نیست. پس اگر فروش انگور به قصد شراب درست کردن او نباشد، حلال است اما اگر نفروختن نهی از منکر می‌شود، حرام است بفروشد. عاقبت نفروختن اگر این است که شراب نسازد، جایز نیست بفروشد.

از این مثال‌ها در فقه زیاد است که با توجه به عاقبت، حکم فرق می‌کند.